



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی

سبک‌شناسی پنجاه غزل و ترکیب‌بند معروف محتشم کاشانی

نگارش: زهره رحیمی زارع

استاد راهنما: جناب آقای دکتر محمدحسن حسن‌زاده نیری
استاد مشاور: جناب آقای دکتر محمدحسن حائری

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته ادبیات فارسی

پاییز ۹۰

رسالة محمد

تقدیم به

پدر و مادرم

که همیشه دعای خیرشان بدرقه راهم بود

فہرست مطالب

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	هفت
فصل ۱	
زندگی نامه خداوند مرثیه سرایان (محتشم کاشانی).....	۱
۱- شناختی مختصر از زندگی محتشم کاشانی.....	۲
۱-۱ سبک شعر مولانا محتشم.....	۲
۲-۱ آثار محتشم.....	۳
۳-۱ مرثی و مناقب محتشم.....	۳
۴-۱ تحصیلات و حرفه.....	۴
۵-۱ مسافرت‌های او.....	۴
۶-۱ مدفن محتشم.....	۵
فصل ۲	
برداشتی از کتاب کلیات سبک‌شناسی دکتر شمیسا.....	۶
۱-۲ سبک و سبک‌شناسی.....	۷
۲-۲ مختصات سبکی.....	۹
۳-۲ اضطراب سبک.....	۹
۴-۲ مکاتب سبک‌شناسی.....	۹
۱-۴-۲ سبک‌شناسی توصیفی.....	۹
۲-۴-۲ سبک‌شناسی تکوینی.....	۱۰
۳-۴-۲ سبک‌شناسی نقش‌گرا.....	۱۰
۴-۴-۲ سبک‌شناسی ساخت‌گرا.....	۱۱
۵-۴-۲ سبک‌شناسی تأثیری.....	۱۲
۶-۴-۲ سبک‌شناسی ریفاتر.....	۱۲
۷-۴-۲ فرمالیسم روسی.....	۱۳

۱۴	۵-۲ سبک و سبک‌شناسی در ایران
۱۵	۶-۲ روش بررسی سبک شناختی متون
۱۶	۱-۶-۲ سطح زبانی
۱۷	۲-۶-۲ سطح فکری
۱۷	۳-۶-۲ سطح ادبی

فصل ۳

۱۸	سطح زبانی:
۱۹	۱-۳ سطح آوایی (موسیقی شعر)
۱۹	۱-۱-۳ موسیقی بیرونی (وزن)
۲۸	۲-۱-۳ موسیقی کناری
۳۵	۳-۱-۳ بررسی حروف و عیوب قافیه در مطلع غزلیات
۴۰	۴-۱-۳ ابدال در غزلیات
۴۱	۵-۱-۳ اماله در غزلیات
۴۱	۶-۱-۳ تلفظ اعداد در غزلیات محتشم
۴۱	۷-۱-۳ مشدد کردن کلمات
۴۱	۸-۱-۳ تخفیف مشدد
۴۲	۳-۱-۹ تعداد کلمات یک هجایی، دو هجایی، سه هجایی و ... در غزلیات
۴۵	۱۰-۱-۳ واو عطف در غزلیات
۴۵	۱۱-۱-۳ تخفیف لغات
۴۶	۱۲-۱-۳ واو معدوله
۴۶	۱۳-۱-۳ صامت میانجی
۴۷	۲-۳ سطح لغوی یا سبک‌شناسی واژه‌ها
۴۷	۱-۲-۳ ترکیبات اضافی در غزلیات محتشم (بدون اضافه استعاری و اضافه تشبیهی)
۵۱	۲-۲-۳ ترکیبات وصفی در غزلیات محتشم
۵۲	۳-۲-۳ اضافات تشبیهی در غزلیات مه دو

۵۳ ۲-۳-۴ اضافات استعاری در غزلیات محتشم
۵۴ ۲-۳-۵ حرف اضافه در غزلیات محتشم
۵۵ ۲-۳-۶ بررسی اسم و صفت در غزلیات
۱۱۷ ۲-۳-۷ لغات عربی در غزلیات
۱۲۸ ۲-۳-۸ ترکیبات خاص محتشم در غزلیات
۱۲۹ ۲-۳-۹ لغات ترکی (بیگانه)
۱۲۹ ۲-۳-۱۰ کهن گرایی (آرکائیسیم)
۱۳۰ ۲-۳-۱۱ جمع بستن کلمات عربی با نشانه‌های جمع فارسی
۱۳۱ ۲-۳-۲ سطح نحوی
۱۳۱ ۳-۳-۱ صفت و موصوف مقلوب
۱۳۲ ۲-۳-۲ متمم
۱۳۲ ۳-۳-۳ جدا بودن «ن» منفی از فعل
۱۳۲ ۳-۳-۴ منفی کردن با «نا» به جای «ن»
۱۳۲ ۳-۳-۵ کاربرد صفت تفضیلی سماعی
۱۳۳ ۳-۳-۶ کاربرد «ی» استمراری
۱۳۳ ۳-۳-۷ استعمال قید «از بس» به معنی بسیار
۱۳۴ ۳-۳-۸ افعال غیر شخصی در غزلیات
۱۳۴ ۳-۳-۹ کاربرد «را» در غزلیات محتشم
۱۳۴ ۳-۳-۱۰ برای فک اضافه
۱۳۵ ۳-۳-۲ «را» در معنی حرف اضافه
۱۳۶ ۳-۳-۳ را نشانه مفعول
۱۳۶ ۳-۳-۱۰ افعال نهی با پیشوند «م» به ج سه
۱۳۶ ۳-۳-۱۱ فعل امر پیشوندی بدون «ب»
۱۳۷ ۳-۳-۱۲ ضمائر متصل در غزلیات
۱۳۷ ۳-۳-۱۲-۱ نقش متمم

- ۱۳۷ ۲-۱۲-۳-۳ نقش مفعول
- ۱۳۸ ۳-۱۲-۳-۳ نقش مضاف الیه
- ۱۳۹ ۱۳-۳-۳ بررسی افعال خاص در غزلیات

فصل ۴

- ۱۶۲ سطح ادبی:.....
- ۱۶۳ ۱-۴ بیان
- ۱۶۳ ۱-۱-۴ تشبیه
- ۱۶۵ ۲-۱-۴ استعاره مصرحه
- ۱۶۵ ۳-۱-۴ استعاره مکنیه
- ۱۶۶ ۴-۱-۴ مجاز
- ۱۶۷ ۵-۱-۴ کنایه
- ۱۷۱ ۲-۴ بدیع لفظی
- ۱۷۱ ۱-۲-۴ واج آوایی (تکرار واک)
- ۱۷۲ ۲-۲-۴ تتابع اضافات
- ۱۷۲ ۳-۲-۴ تکرار
- ۱۷۳ ۴-۲-۴ تصدیر
- ۱۷۴ ۵-۲-۴ ردالقافیه
- ۱۷۴ ۶-۲-۴ التزام
- ۱۷۴ ۷-۲-۴ تشابه الاطراف
- ۱۷۵ ۸-۲-۴ جناس مضارع
- ۱۷۶ ۹-۲-۴ جناس زاید
- ۱۷۷ ۱۰-۲-۴ جناس تام
- ۱۷۸ ۱۱-۲-۴ جناس اشتقاق
- ۱۷۸ ۱۲-۲-۴ جناس ناقص یا محرّف
- ۱۷۸ ۱۳-۲-۴ تضمین المزدوج

چهار

- ۳-۴ بدیع معنوی..... ۱۸۱
- ۱-۳-۴ تناسب (مراعات النظیر)..... ۱۸۱
- ۲-۳-۴ تضاد (مطابقه)..... ۱۸۲
- ۳-۳-۴ اغراق..... ۱۸۳
- ۴-۳-۴ ایهام..... ۱۸۴
- ۵-۳-۴ تجرید..... ۱۸۵
- ۶-۳-۴ تلمیح..... ۱۸۵
- ۷-۳-۴ ارضاد و تسهیم..... ۱۸۶
- ۸-۳-۴ ایهام تناسب..... ۱۸۷
- ۹-۳-۴ تبادر..... ۱۸۸
- ۱۰-۳-۴ جمع..... ۱۸۸
- ۱۱-۳-۴ تفریق..... ۱۸۹
- ۱۲-۳-۴ تناقض..... ۱۸۹
- ۱۳-۳-۴ حس آمیزی..... ۱۸۹
- ۱۴-۳-۴ حشو ملیح (اعتراض)..... ۱۸۹
- ۱۵-۳-۴ سوال و جواب..... ۱۹۰
- ۱۶-۳-۴ مدح شبیه به ذم..... ۱۹۰
- ۱۷-۳-۴ سیاقه الاعداد..... ۱۹۰
- ۱۸-۳-۴ تنسیق الصفات..... ۱۹۰
- ۱۹-۳-۴ ارسال المثل..... ۱۹۰

پنج

- سطح فکری:..... ۱۹۳
- ۱-۵ بررسی سطح فکری غزلیات محتشم کاشانی..... ۱۹۴
- ۱-۱-۵ عشق..... ۱۹۴
- ۱-۱-۵ اوصاف عشق..... ۱۹۴

۱۹۶	۲-۱-۵ معشوق
۱۹۷	۱-۲-۱-۵ اوصاف معشوق
۲۰۴	۳-۱-۵ عاشق
۲۰۴	۱-۳-۱-۵ اوصاف عاشق
۲۱۶	۴-۱-۵ رقیب
۲۱۸	۵-۱-۵ نظرات پراکنده
۲۲۱	۲-۵ بررسی سطح فکری ترکیب بند محتشم کاشانی
۲۲۹	نتیجه
۲۳۶	کتابنامه
۲۳۹	پیوست‌ها

فصل ۱

زندگی نامه خداوند مرثیه سرایان (مختصم کاشانی)

۱- شناختی مختصر از زندگی محتشم کاشانی

حسان العجم مولانا کمال الدین علی متخلص به محتشم فرزند خواجه میر احمد کاشانی است، در حدود سال ۹۰۵ ه.ق در کاشان دیده به جهان گشود، و نزدیک نود و یک سال در این دنیا زیست، و به سال ۹۹۶ ه.ق در زادگاه خود رخت به سرای جاوید برد. محتشم از شاعران اوایل عهد صفوی است، و سرآمد شعرای فصاحت شعار آن روزگار؛ وی مداح شاه طهماسب صفوی است. در اکثر فنون نظم کمال مهارت دارد، مخصوصاً در قصیده و در فن غزل نیز قطعه‌های عاشقانه بلند دارد.

۱-۱ سبک شعر مولانا محتشم

«با اینکه چندین هزار شاعر عصر صفوی عموماً دارای سبک خاص هندی بوده‌اند، اما مولانا قصاید را به سبک قدما و غزلیات را به سبک جامی، وحشی و بابافغانی که به سبک عراقی نزدیکتر است می‌ساخته، و مهارت خود را مخصوصاً در ساختن غزل‌های شورانگیز و عاشقانه نمایان نموده است. اگر در قسمت غزلیات به بعضی ابیات سست گاهی برمی‌خوریم، از آن جهت است که یک قسمت از آنها را در آغاز شاعری سروده، و شاید خود شاعر هم زیاد علاقه‌ای به حفظ آنها نداشته، و با سایر آثارش مخلوط شده است.» (گرکانی، ۱۳۷۶:)
«غزل‌های او را نپسندیده‌اند، گویا به سبب توجهی باشد، که او در آنها به الفاظ و آرایش‌های ظاهری آنها کرده است، و اینکه لطفعلی‌خان آذر بیگدلی گفته: «از بس اوقات صرف لفاظی کرده و با اظهار استادی پرداخته دور نیست؛ که اندک کوتاهی در تحصیل مضامین دل‌نشین تازه فرموده باشد.» (صفا، ۱۳۷۳: ۷۹۶)

در بین غزلیات مرحوم محتشم چند غزل است، که در نهایت جزالت و روانی می‌باشد، و مورد استقبال شعرای عهد زندیه واقع گردیده، و به آن وزن و قوافی اقتدا نموده‌اند.
هاتف اصفهانی غزلی را که با این مطلع شروع می‌شود، از مولانا استقبال نموده است؛ مولانا می‌فرماید:

نگشتی یار من تا طور یاریهای من بینی نبردی دل ز من تا جان سپاریهای من بینی

هاتف می گوید:

کجایی در شب هجران که زاریهای من بینی
چو شمع از چشم گریان اشک باریهای من بینی
محتشم در اصل و بنیاد شاعری خود قصیده‌سرایی مداح بوده، و پادشاهان و بزرگانی مانند شاه
طهماسب صفوی، فرزندان او، شاه عباس بزرگ، معاریف رجال و امیران دربار صفوی را مدح
می‌گفت، و قصیده‌هایی در ستایش آنان می‌فرستاد. گفتگوی محتشم با شاه طهماسب نقطه
عطفی در تحول سبک (از عراقی به هندی) بوده است و شاعران این نکته را دریافتند که
کالایشان در ایران خریدار ندارد.

محتشم «در شعر و نثر پیرو استادان پیشین است، و چنان است که می‌خواهد شیوه شاعران
پیش از سده هشتم را در قصیده‌های خود تجدید کند، و اگرچه در بعضی از بیتها چنانکه باید
از عهده این پیروی برنیامده، ولی در بسیاری دیگر گامهای خود را به قدمهای استوار آنان
نزدیک ساخته است. وی قصیده‌های خود را بیشتر در جواب استادان گذشته حتی
انوری^۱ سروده و گاه پای دعوی را فراتر از حد خود نهاده، و استاد ایبورد را ریزه‌خوار خوان
معنی خویش پنداشته است.»^۲ (صفا، ۱۳۷۳: ۷۹۵)

۱-۲ آثار محتشم

سه دیوان غزل ترتیب داده محتوی بر ۷۰۰۰ بیت؛ دیوان اول را صبانیه و دیوان ثانی را جلالیه
و دیوان ثالث را شباییه نامیده اند، و دیوان قصاید حضرات ائمه - علیهم‌السلام - و مدایح
ملوک نیز جمع نموده، قریب به ۸۰۰۰ بیت و رساله معمیات و تواریخ نیز نوشته است.

۱-۳ مرثی و مناقب محتشم

محتشم در زمان اسکندر بیک ترکمان به اوج شهرت دست یافت. دوازده بند او در مرثیه
حسین بن علی (ع) و واقعه کربلا از منظومه‌های معروفی است، که تا زمان ما در مجلسهای
عزای آن امام زبانه‌زد مرثیه‌خوان و روضه‌خوانان و به قول آذر: «در اکثر بلاد اسلام بین الخاص

^۱ تا بدن دستگاه جان باشد

^۲ دست دست خدایگان باشد

^۱ من چنان شمع معنی افروزم

و العام مشهور است.» (آذر بیکدلی، ۱۳۷۸: ۵۲) با آنکه قریب ۳۵۰ سال از زمان آن می‌گذرد، و هزاران شاعر به پیروی از آن ترکیب بندهای مختلف ساخته‌اند، به جرأت می‌توان گفت که هنوز هیچ کدام به گیرایی و تأثیر عمیق آن در روح نمی‌رسد، با آنکه بعضی از آنها از آثار استادان بزرگ می‌باشد. در این باره اسکندر بیک منشی نوشته است: «مولانا محتشم از خطه کاشان است در شاعری شهره آفاق و شعرش پر طمطراق ... ترجیع و ترکیب بی‌شمار دارد، اما مرثیه‌ای به جهت سیدالشهداء خامس آل عبا در سلک نظم درآورده ابیات بلند و معانی دقیق در آن مندرج است گوشواره گوش سخن در آن روزگار و تا یوم‌القرار از او یادگار است، و به مرثیه شیخ آذری - علیه‌الرحمه - که تا غایت هیچ کس از شعرا تتبّع آن نتوانستند نمود، قلم نسخ کشیده.» (اسکندر منشی، ۱۳۷۷: ۲۷۹)

۴-۱ تحصیلات و حرفه

محتشم پس از تحصیل مقدمات علوم روزگار خویش برای به دست آوردن روزی و گذران به شعر بافی پرداخته است، و ظاهراً دستگاههای متعدد داشته، و خود با داشتن حجره، به فروش دستاوردهای شعر بافی روز می‌گذاشته است. حرفه بیشتر مردم کاشان از روزگار قدیم نساجی بوده، و بافنده هر نوع منسوج را اعم از ابریشمی یا نخی در این شهر شعر باف می‌خوانده‌اند.

۵-۱ مسافرت‌های او

محتشم روزگاری دراز از زندگانی خود را مبتلی به درد پا بوده است، و گاه آنچنان بیماری بر وی چیره می‌شده است، که از دیدار بعضی امرا و حکام که به کاشان می‌آمده‌اند، و ناگزیر می‌بایست، از آنها دیدن کند به صورت شعر عذر خواسته و به «لنگی» پای خود پوزش آورده است، و به همین روی از سفرهای خارج ممنوع بوده، و حتی ستایش‌های خویش را بر شاه و شاهزادگان به همراهی پیک می‌فرستاده است. تنها سفری که محتشم را مسلم است، مسافرت او به اصفهان است؛ که به هنگام مرگ ضمیری برای شرکت در سوگ او به آن شهر رفته است، و نیز دو قصیده در دیوان وی به نظر رسید، که ظاهراً در «عتبات عالیات» ساخته است، ولی تاریخ این مسافرتها معلوم نیست.

۱-۶ مدفن محتشم

بقعه آرامگاهش در جنوب شرقی شهر کاشان است، و در محله‌ای است، که اکنون به محله محتشم نامبردار است.

فصل ۲

برداشتی از کتاب کلیات سبک‌شناسی دکتر شمسیا

۲-۱ سبک و سبک‌شناسی

«مفهوم سبک، مثل بسیاری از مفاهیم دیگر مثلاً «وجود» بدیهی است، اما تعریف جامع و مانع آن دشوار است.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۵) «وینوگراف یکی از سبک‌شناسان روسی می‌گوید: در ادبیات کمتر اصطلاحی را می‌توان یافت، که از مفهوم سبک ذهنی‌تر و مهم‌تر باشد.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۷) با استفاده از سه عنوان کلی نگرش خاص، گزینش و عدول از هنجار که نهایتاً یکی هستند، و از سه زاویه به یک موضوع نگاه می‌کنند، می‌توان دید روشنی از سبک به دست آورد.

«نگرش خاص: سبک حاصل نگاه خاص هنرمند به جهان درون و بیرون است که لزوماً در شیوه خاصی از بیان تجلی می‌کند.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۸)

«گزینش: سبک محصول گزینش خاصی از واژه‌ها و تعابیر و عبارات است.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۶) «مسئله گزینش مخصوصاً در متون ادبی همواره با مسئله زیباشناسی و قوت معنی و مقتضای حال مخاطب و و قدرت بیان همراه است.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۳۵)

«عدول از هنجار: سبک حاصل انحراف و خروج از هنجارهای عادی زبان است. معمولاً در آثار خلاق ادبی و همچنین در کتب مقدس مذهبی نمونه‌های انحراف از معیارهای متعارف زبان فراوان است.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۳۷) لیچ به مسئله هنجارگریزی توجه خاصی کرده، و انواع آن را با مثال توضیح داده است.

انواع هنجارگریزی

«واژگانی: شاعر لغات جدید می‌سازد. مثنوی پر از لغات و ترکیباتی است که مولانا ابداع کرده است.

• نحوی: تصرف در محور همنشینی است.

• آوایی: تلفظ مطابق معیار نیست.

انواع دیگری که لیچ ذکر می‌کند، هنجارگریزی نوشتاری، معنایی، گویشی، اصطلاحی، تاریخی یا سبکی است.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۴۳)

از نظر دکتر شمیسا هنجارگریزی به زبانی، فکری و ادبی تقسیم می‌شود؛ زبانی سه بخش آوایی، لغوی و نحوی دارد، مسائل بیانی و بدیعی جزء مسائل ادبی است، و هنجارگریزی معنایی مربوط به مسائل فکری است.

«نگرش خاص بیشتر متناسب با حوزه روانشناسی و (در ادبیات) نقد ادبی است. گزینش و انحراف از هنجار بیشتر در حوزه زبانشناسی قرار می‌گیرد.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۵۵) به نظر دکتر شمیسا هر موردی که مکث ایجاد کند، یا غیره منتظره باشد، از مسائل سبکی است: برجسته‌سازی، صنایع ادبی، تشبیهات، استعارات تازه و غریب، بیان مسائل فکری غیر متعارف و نوآوری‌های ادبی.

«آنچه در ادبیات مهم است، این است که سبک را در مفهوم یک ملاط یکنواختی که تمام اجزاء اثر را در بر گرفته است دریابیم، و دیگر اینکه به کمک آن متوجه تمایز و تفارق اثری از آثار دیگر شویم.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۸۱)

«در سبک‌شناسی وقتی واژه سبک به کار می‌رود، مقصود از آن ممکن است، یکی از سه مفهوم زیر باشد:

- سبک دوره یعنی؛ سبک کم و بیش مشترک و شبیه آثار یک دوره خاص، به عبارت دیگر در آثار یک دوره مشخص تاریخی، نوعی وحدت و زمینه مشترک لفظی و معنوی و ادبی دیده می‌شود، که در آثار دوره‌های دیگر یا کم‌رنگ‌تر است، و یا اصلاً نیست.
- سبک شخصی یعنی؛ سبک خاص یک شاعر یا نویسنده که اثر او را از هر اثر دیگری متمایز می‌کند.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۸۷)

• سبک ادبی: «هر علم و نظم و هنری سبک خاص خود را دارد، مثلاً سبک آثار علمی (یعنی بیش و زبان آن) از سبک آثار ادبی متمایز است به عبارت دیگر سبک ادبی در مقابل سبک‌های دیگر مثلاً سبک علمی یا مذهبی یا حقوقی یا تاریخی قرار دارد.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۸۸)

«اگر نرم دوره را مدّ نظر نداشته باشیم، حداقل با دو اشتباه مواجهیم:

الف) خطر کاهش، به این معنی که بسیاری از ارزشهای سبکی را متوجه نخواهیم شد، و ممکن است تازگی تشبیهات و استعاراتی را که امروزه برای ما عادی شده است دریابیم، و متوجه تازگی لغات و تعبيرات نشویم.

ب) خطر افزایش، ممکن است، از خودمان معانی‌ای بر لغات حمل کنیم، که مرسوم آن دوره نبوده است.» (شمیسا، ۱۳۸۶ : ۹۲)

۲-۲ مختصات سبکی

«از میان انواع مختصاتی که در یک متن دیده می‌شود، فقط برخی ارزش سبکی دارند، یعنی؛ در پدید آوردن سبک دخیلند، که به آنها مختصات سبک ساز یا سبک آفرین یا سبکی می‌گویند، این مختصات چه لفظی باشند، و چه فکری و چه ادبی باید مکرر باشند، یعنی؛ بسامد بالایی داشته باشند.» (شمیسا، ۱۳۸۶ : ۱۲۱)

۲-۳ اضطراب سبک

«استفاده از مختصات زبانی (و حتی فکری و ادبی) دوره‌های متفاوت در یک متن، ارزش ضد سبکی است، و باعث اضطراب سبک می‌شود.» (شمیسا، ۱۳۸۶ : ۱۲۲)

۲-۴ مکاتب سبک‌شناسی

۲-۴-۱ سبک‌شناسی توصیفی

پایه‌گذار آن شارل بالی است. «روش کار او این است، که عبارات و جملات و کلمات متحدالمضمون را با هم می‌سنجد، و نتیجه می‌گیرد، که این عبارات و جملاتی که دارای محتوای یکسان هستند، از نظر عواطف و احساسات با یکدیگر فرق دارند. این عواطف و احساسات محتوای سبک‌شناختی هستند، که به محتوای زبان‌شناختی افزوده شده‌اند، بدین ترتیب روش او نزدیک به روش علم بیان است: «ادای معنای واحد به طرف مختلف» به سبک‌شناسی توصیفی (توصیف احساسات و عواطف) گاهی سبک‌شناسی بیانی نیز می‌گویند، زیرا گوینده در هر عبارتی به نحوی عواطف و احساسات خود را بیان می‌کند. سبک‌شناسی به نظر بالی بررسی محتوای عاطفی کلام است. نقص کار شارل بالی آن است که به بررسی زبان ادبی نپرداخت، و به زبان به طور کلی توجه داشت.» (شمیسا، ۱۳۸۶ : ۱۴۸)

۲-۴-۲ سبک‌شناسی تکوینی

«در سبک‌شناسی تکوینی توجه اصلی به تکوین اثر ادبی از دیدگاه سبک‌شناسی است و به علل ایجاد سبک توجه دارد (که در روان‌گوینده است). به این مکتب، مکتب سبک‌شناسی فردی هم می‌گویند، چون داعیه تعیین سبک شخصی را دارد، این مکتب به لئو اسپیتزر منسوب است.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۵۰) روش او در سبک‌شناسی به دایره واژه‌شناختی و فقه اللغوی معروف است. در این روش، نخست باید اثری را خواند و خواند و مجذوب آن شد، و با فضای آن انس گرفت، تا ناگهان یک یا چند ویژگی منحصر به فرد تکرار شونده آن بر جستجوگر رخ نماید. در مرحله دوم باید به دنبال توضیح و تفسیر روان‌شناسانه این مختصات تکرار شونده رفت، و در یافتن ارتباط بین آنها و جان و خرد نویسنده مجاهده کرد. در مرحله سوم که مرحله نهایی است، باید برای تایید و تأکید رفته و نظر خود را دوباره از مرکز اثر به سطح بازگشت و مختصات و شواهد و مدارک دیگری بازجست.

دکتر شمیسا کم و بیش متد اسپیتزر را در تعیین سبک شخصی می‌پذیرد، و «آن را با تغییراتی عملی‌ترین راه در این زمینه می‌داند. باید اثری را خواند و خواند تا یکی دو مختصه آن توجه را جلب کند، این مختصات معمولاً بسامد بالایی دارند سپس باید این شواهد را جمع‌آوری کرد، و مورد دقت قرار داد. اما در تفسیر روان‌شناسانه مختصات نباید اصرار داشت، مگر در مواردی که با توجه به نقد خارجی (مثلاً تاریخ ادبیات) شواهد کافی در دست باشد.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۵۶)

۲-۴-۳ سبک‌شناسی نقش‌گرا

قبل از سبک‌شناسی نقش‌گرا، باید زبان‌شناسی نقش‌گرا را بدانیم. «زبان‌شناسی نقش‌گرا رویکردی در زبان‌شناسی است، که زبان را یک ابزار اجتماعی می‌داند تا یک نظام منزوی. هر فرد، موجودی اجتماعی است، و زبان را به منظور ارتباط با دیگران به کار می‌برد.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۵۷) در مورد کنش‌های زبانی و انواع آن هر کس سخنی گفته است. معمولاً نقش‌های زبان را به سه مورد تقسیم می‌کنند:

«نقش توصیفی: اطلاع می‌دهد، خبری قابل صدق و کذب است.